

نما بد بلکه حتی میتوانست در هر مورد که ضروری تشخیص میداد حتی نظرنهائی دیوان عالی کشور را مورد مجادله قرار داده و مسئله را برای رسیدگی قطعی به کمیته اجرایی مرکزی شوراها ارجاع دهد. (۱۵۵) و بالاخره وظیفه بررسی شواهد مربوط به یک جرم که مسئولیت آن سابقاً به هیئت بازرسی منتخب شوراها ی محلی واگذار شده بود اینک تماماً و بطور کامل به دادستانی محول شدند. (۱۵۶) پدیده‌ها در این نهاد به مرور زمان از همان اختیارات، حقوق و وظایفی برخوردار شد که پیشتر در سیستم قضایی سابق روسیه از آن برخوردار بود. با محدود شدن دخالت و نفوذ شوراها در کارکرد سیستم قضایی شوروی و کم رنگ شدن کنترل و نظارت مستقیم نهادهای شورایی بر آن، جای برای ورود مقامات قبلی قضایی نیز گاه از تخصص حرفه‌ای لازم برای شرکت در این نظام جدید برخوردار بودند یا زمیشتد. البته دست اندرکاران سیستم قضایی شوروی در دوران نپ بخوبی از مضرات وضعیتی که در سیستم قضایی بوجود آمده بود مطلع بودند به همان اندازه که پروشنی میدانستند چنین نظام قضایی با قوانین و ارگانهای اجرایی اش پدیده‌های متناقضی ممالح یک جامعه سوسیالیستی است. (۱۵۷) اولی به نظر آنان مادام که خرید و فروش نیروی کار و مناسبات کالایی - پولی کا پیتالیستی در جامعه شوروی جاری بودند دولت مجبور بود که به مثابه مدافع جامعه، چنین نظام قضایی متمرکز و مافوق مردمی را بوجود آورد. البته به گمان آنان همه این اقدامات میبایست موقت و گذرا تلقی میشدند زیرا با پایان یافتن دوران نپ ضرورت وجودی چنین نظام قضایی نیز از بین میرفت.

III - در رابطه با پلیس سیاسی : در دوره جنگ داخلی یک از ارگانهای انتظامی دولت شوراها چکا یا "کمیسیون اضطراری" بود. این ارگان وظیفه رسیدگی به جرائم ضد انقلاب در آن دوره را به عهده داشت. انتظار میرفت که با پایان یافتن دوره جنگ داخلی ضرورت وجودی این ارگان نیز از بین برود. از این رو در فوریه ۱۹۲۲ کمیته اجرایی سراسری شوراها انحلال چکا را رسماً اعلام کرد و آنچه از وظایف آن باقی میماند را به کمیساریای خلق برای امور داخلی واگذار کرد. تا پیش از این تاریخ چکا بطور مستقل عمل میکرد و از زندان، نیروی انتظامی ویژه و دادگاههای انقلابی مستقل خود برخوردار بود. انتقال وظایف باقیمانده چکا به کمیساریای امور داخلی به این منجر شد که این کمیساریا برای پیشبرد این وظایف دپارتمان ویژه‌ای تحت عنوان "اداره سیاسی دولت" (گ. پ. ا.) تاسیس کند. این دپارتمان میتوانست در مناطق خودمختار جمهوری روسیه شوروی از شعب محلی خود برخوردار باشد منتها مشروط به اینکه این شعب تحت نظارت دوگانه کمیته اجرایی شوراها ی محلی و ارگان مرکزی "اداره سیاسی دولت" قرار گیرند. (۱۵۸) بعبارت دیگر علاوه بر کنترل و نظارت مرکزی به کارکرد این شعب ارگانهای محلی شورایی

نیز از چنین حق و دخالتی برخوردار نبودند و بدین معنا این نهاد جدید پلیس سیاسی بدو از استقلال عمل ویژه چکا دیگر برخوردار نبود. بعلاوه برخلاف چکاک . پ . ا . از نیروی انتظامی، زندان و دادگاههای ویژه ای برخوردار نبود. در حقیقت با تصویب قوانین جنایی در ماه مه ۱۹۲۲ همه جرایم جنایی اعم از جرایم سیاسی یا غیر سیاسی بصورت یکسان در مقابل قانون قرار می گرفتند و در دادگاههای مشابهی رسیدگی میشدند و دادگاههای ویژه انقلاب دیگر خبری نبود. (۱۵۹) ولی با پیشرفت نپ از آنجا که عناصر بورژوا ناراضی از شرایط بهتری برای فعل و انفعال کردن برخوردار میشدند، این وا همه نیز که آنها بتوانند از طریق شوراها ی محلی بر روی کارکرد گ . پ . ا . (به ویژه در مناطق روستایی) تاثیر بگذارند مستمرا تقویت میشد. لذا اقداماتی در جهت استقلال بیشتر گ . پ . ا . و قطع کنترل محلی بر روی آن صورت گرفت. نتیجه این اقدامات چنین بود که پس از ایجاد اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، گ . پ . ا . در قانون اساسی ۱۹۲۴ به صورت یک نهاد مستقل برسمیت شناخته شد و همانند هر کدام از کمیساریا های سراسری اتحاد جماهیر شوروی میتوانست از شعب محلی برخوردار باشد که مستقیما و فقط به سازمان مرکزی این ارگان جوابگو بودند. (۱۶۰) همینطور مقرر شد که رئیس این ارگان عضو مشورتی سونا رکم باشد. گ . پ . ا . جدیدها نند چکا در دوران جنگ داخلی، به تدریج از با زدا شتگاهها و نیروی انتظامی ویژه ای برخوردار شد. (۱۶۱) وظیفه گ . پ . ا . " مبارزه بر علیه ضد انقلاب سیاسی و اقتصادی، جاسوسی و راهزنی " تعریف شده بود و درقبال چگونگی انجام وظایفش فقط دادستان دیوان عالی کشور حق نظارت و حسابرسی مستقیم داشت. با این ترتیب رسیدگی به جرایم سیاسی تماما از صلاحیت ارگانهای مختلف محلی شورایی خارج شده و در دست سازمان متعزز و مستقل گ . پ . ا . قرار گرفت. این نهاد پس از نیمه دوم دهه بیست در همکاری با کمیسیون کنترل مرکزی حزب به ا بزار مهمی برای تسویه مخالفین حزبی توسط جناح غالب آن بدل شد.

IV - در رابطه با مسئله ارتش: همانطور که پیشتر نشان دادیم ایده ایجاد یک میلش توده ای در شروع جنگ داخلی با مشکلات معینی مواجه گردید. از یکسو مردم خسته از جنگ جهانی ۱۸-۱۹۱۴ دیگر کوچکترین رغبتی به شرکت در یک جنگ جدید را نداشتند و لذا فراخوان برای پیوستن دا و طلبانه به گارد سرخ با موفقیت رضایت بخشی همراه نشد، و از سوی دیگر لزوم بکارگرفتن افسران قدیم ارتش تزاری در جنگ داخلی بطور اجباری به کارگران و بلشویکها تحمیل شد. در چنین شرایطی واضح بود که اصل انتخابی بودن مسئولین نظامی نمیتوانست موثر باشد چون در آن صورت بندرت ممکن بود هیچیک از فرماندهان سابق توسط سربازان ناراضی برای سعت فرماندهی انتخاب شود. علیرغم محدودیتها و کنترل جدی که

از طرف کمیسارهای سیاسی به کارکرد فرماندهان قدیم اعمال میشد و علیرغم لغو سلسله مراتب نظامی سابق و حقوق ویژه افسران، آنان با اجبار برای فرماندهی بخش‌های مختلف ارتش سرخ انتخاب میشدند. بعلاوه در آن زمان منظم بودن ارتش سرخ به معنای دائمی بودن آن در نظر گرفته نمیشد بلکه صرفاً آرایشی مناسب برای درگیر شدن در جنگ جبهه‌ای آن دوران فهمیده میشد که از روش پارتیزانی جنگ که میتوانست با اتکاء به واحدهای میلپش محلی خود مختار صورت گیرد، کارآیی بیشتری داشت.

بنا بر این انتظا ر میرفت که با پایان یافتن جنگ داخلی ارتش سرخ بسا سازمان میلپش توده‌ای، که در آن مسئولیت‌های فرماندهی انتخابی است، جایگزین شود. این مطالبه البته با تمام جنگ داخلی طرح شد. منتها از آنجا که پایان جنگ داخلی همراه با افت و خیزهای شدید مناطق روستایی بود تبدیل فوری و همه‌جانبه ارتش سرخ به یک میلپش توده‌ای نابجا بنظر میرسید. زیرا ایجاد یک میلپش توده‌ای سراسری عملاً بدین معنا بود که دهقانان ناراضی روستاها نیز مسلح شده و در انتخاب فرماندهان خود و چگونگی آرایش نظامی نیروی مسلح شان از آزادی عمل نسبی برخوردار شوند. و این در آن شرایط بحرانی در حکم خودکشی سیاسی دولتی بود که چنین میکرد. این نکته بدرستی از طرف اسمیلا (Smiliga) در هشتمین کنگره سراسری شوراها (دسامبر ۱۹۲۵) چنین عنوان شد:

معمول داشتن سیستم میلپش در روسیه - که اتکاء به

سازمانهای منطقه‌ای خصوصیت با رزان را تشکیل میدهد -

[در شرایط فعلی] با یک مشکل رفع نشدنی

مواجهه است که از موقعیت سیاسی رژیم ناشی میشود. از

آنجا که تعداد دیپولتاریا در روسیه بسیار کم است، ما

نمی‌توانیم رهبری دیپولتاریا بر تمام این واحدهای

[منطقه‌ای] را تضمین کنیم. ... رجعت به چنین

شکلی از سازماندهی نظامی [در شرایط فعلی] یک

اشتباه نابخسته و اساساً غیرقابل قبول است. (۱۶۲)

البته موافقت با به تعویق انداختن تشکیل سازمان سراسری میلپش توده‌ای در شوروی به هیچوجه به معنای برسیمیت شناختن تداوم وضعیت ارتش سرخ نبود، بلکه آنچه اساساً صورت گرفت اتخاذ یک روش محتاطانه برای تحسول تدریجی ارتش سرخ به یک سازمان میلپش توده‌ای بود. ایده میلپش توده‌ای یک ایده بسیار قدیمی و جا افتاده در حزب بلشویک بود (۱۶۳) و در آن سالها وفاداری به آن وفاداری به یک مطالبه قدیمی ما رکیست‌ها تلقی میشد. (۱۶۴) از اینرو کنگره دهم حزب بلشویک (مارس ۱۹۲۱) تصویب کرد که در پروسه تحول سازمان ارتش سرخ به

یک سازمان میلیشایی میبایست با توجه به اوضاع بین المللی و اوضاع داخلی شوروی تسریع شود. برای شروع کنگره مقدماتی تصویب کرد که در مناطقی که تمرکز پرولتاریای صنعتی آن زیاد است (مثلاً در مناطق پتروگراد، مسکو، وراال ...) گذار فوری از ارتش منظم به میلیس توده‌ای میتواند صورت گیرد، و توسعه این روند به سایر مناطق شوروی را نیز به خنثی شدن اعتراض دهقانان طی دوره نسبی و جلب اعتماد آنان به دولت کارگران مشروط ساخت. (۱۶۵) به علاوه تعداد افراد مسلح ارتش سرخ که در مارس ۱۹۲۱ به ۴,۴۰۰,۰۰۰ نفر بالغ میشد تا پایان سال ۱۹۲۳ به ۵۶۰,۰۰۰ نفر کاهش یافت، (۱۶۶) هرچند از این تعداد فقط ۱۷ درصد بصورت محلی سازمان یافته بودند و ما بقی بصورت پرسنل یک ارتش منظم دائمی خدمت میکردند. (۱۶۷)

با پیشرفت نسبی اعتماد دهقانان نسبت به دولت کارگران افزایش یافت. بعنوان مثال در ۱۹۲۷، ۷۲/۳ درصد افراد مشمول و در ۱۹۲۸ ۹۴/۵۶ درصد افراد مشمول داوطلبانه به ارتش پیوستند و این برای ارتش که ۷۴/۳ درصد نیروی آن را دهقانان تشکیل میدادند البته بسیار رضایت بخش بود. (۱۶۸) بدین ترتیب مساعی سالهای نپ شاهدیک بهبود عمومی در وضعیت رابطه بین شهر و روستا و افزایش اعتماد دهقانان به دولت هستیم. ولی افزایش ثبات موقعیت ملسی و بین المللی شوروی با پیمودن سیر قبلاً تعیین شده برای گذار از ارتش منظم دائمی به نظام میلیس توده‌ای ملازم نبود. در حقیقت در متن فزاینده ای که ارتش سرخ یکی پس از دیگری در استقلال از شوراها و بدور از کنترل و حسابرسی مستقیم آنان بصورت نهادهایی دائمی شکل می گرفتند، طبیعی بود که ایده ایجاد یک ارتش منظم دائمی نیز تقویت شود. در سال ۱۹۲۴ ایده ایجاد یک ارتش منظم دائمی که از یک بدنه قابل ملاحظه و از کار حرفه‌ای و تخصصی خویش برخوردار بوده و در آن اشتغال فرماندهان معمول باشد، به یک ایده غالب در محافل نظامی حزب و در ارتش سرخ بدل شد. (۱۶۹) طبق یک طرح مقدماتی، قرار بود که نیروی ارتش سرخ از ۸۰۰,۰۰۰ تا ۹۰۰,۰۰۰ نفر افزایش یابد، و از این تعداد فقط ۲۵۰,۰۰۰ نفر بصورت منطقه‌ای (یعنی نه دائمی) سازمان یافته و ما بقی بصورت دائمی (یعنی اقامت در پادگانها در تمام طول مدت خدمت نظام) سازمان داده شوند. (۱۷۰) چنین تغییری در آرایش ارتش سرخ با دو مانع جدی مواجه بود. اول آنکه توده مشمول دهقان تمایلی به ترک محل و کار روزندگی اش نداشت و در شرایطی که فعالیت حزب برای جلب اعتماد دهقانان به دولت متمرکز شده بود، چنین فشاری به آنان موجه بنظر نمی رسید. دوم آنکه به علت وجود سنن انقلابی در ارتش سرخ، سربسازان و رده‌های پایین آن هنوز در مقابل تابعیت کورکورانه از مقامات مافوق خود - بویژه اگر سابقاً جزو کادر نظامی ارتش تزاری میبودند - از خود مقاومت نشان میدادند.

در نیمه دوم دهه ۲۰ مکانات و ملزومات لازم برای ایجاد یک ارتش منظم دائمی هر چه بیشتر مهیا میشد. این وضعیت عمدتاً ناشی از دو مسئله بود. از یکسو نسبت فرماندهان غیر حزبی ارتش چه بدلیل بازنشستگی بسیاری از آنان، چه بدلیل انضمام و پذیرش بخشی از آنان در حزب، و بالاخره چه بدلیل ارتقاء کارآموزان نظامی به مقام فرماندهی هر چه کمتر میشد. به عنوان مثال در ۱۹۲۶ تمام فرماندهان لشکرها، ۷۵ درصد روسای مدارس نظامی و ۵۵ درصد از فرماندهان هنگ‌ها حزبی محسوب میشدند. (۱۷۱) چنین تغییری در ترکیب فرماندهی ارتش پذیرش دستورات این فرماندهان توسط رده‌های پائین ارتش را تسهیل میکرد. از سوی دیگر، نظر مساعده قبلی حزب نسبت به دهقانان در حال تغییر بود و روابط بین شهر و روستا نیز روبه‌وخامت داشت. در چنین شرایط جدیدی ایده ایجاد یک ارتش منظم و دائمی که در آن سربازان میبایست بطور مطلق از فرماندهان انتصابی خود تا بعیت کرده و بدور از محل سکونت و زندگی شان - یعنی در پادگانها - دوره خدمت نظامشان را بسر کنند کاملاً با گرفت، و ملاحظات قبلی در این مورد دیگر جعلی کنار گذاشته شدند. در سال ۱۹۲۸ پروسه تمرکز در ارتش به مراحل نهایی خود رسید و آخرین محدودیت‌های موجود بر سر انتصاب فرماندهان و تا بعیت سربازان از افسران مافوق خود بطور کلی برداشته شد. (۱۷۲)

۶- آخرین تلاشها برای احیاء جنبش شورایی در روسیه (۱۹۲۸ - ۱۹۲۴)

همزمان با انقباضی که طی دوران نپ در نهادهای اجرایی، اقتصادی، قضایی و نظامی دولت شوراها شکل میگرفت، بدیهی بود که کارآیی و نقش ارگانهای منتخب شوراها (کنگره‌ها، کمیته‌های اجرایی‌ها و غیره) نیز کم‌رنگ شود. و البته این دقیقاً چیزی بود که اتفاق افتاد. تا پیش از ایجاد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی کنگره‌های سراسری شوراها سالانه یک بار با ربرگزار میشد. پس از ایجاد اتحاد جماهیر شوروی نیز فواصل یکساله برای انعقاد کنگره‌های سراسری شوراها تعیین شد. این نکته در قانون اساسی ۱۹۲۴ اتحاد جماهیر شوروی بروشنی تصریح شده بود. * منتهای پس از برگزاری کنگره دوم شوراها اتحاد جماهیر شوروی در ژانویه ۱۹۲۴، کنگره سوم حدوداً یکسال و نیم بعد در مه ۱۹۲۵، و کنگره‌های چهارم (۱۷۳) و پنجم به فواصل دو سال یکبار برگزار شدند. در فواصل برگزاری کنگره‌ها، کمیته‌های اجرایی سراسری شوراها قرار بود حداقل ۳ بار سالانه تشکیل جلسه دهد. ولی این نیز در واقع صورت نگرفت. جلسات کمیته‌های اجرایی در فواصل سالانه و بطور نا منظم برگزار میشدند. (۱۷۴) همینطور تعداد دکتری از مصوبات سونا رکم (شورای کمیسیون‌های خلق) که میبایست یا قبل از اجراء و اتخاذ

به تصویب کمیته اجرایی میرسیدند و با درمواقع اضطراری پس از اتخاذ به تأشید بعدی کمیته اجرایی میرسیدند، بدون اطلاع پیشی یا قبلی آن طرح و اختصاص میشدند. از شواهدا مربرمی آید که شورای کمیته‌های خلق به این مطالبه قانون اساسی ۱۹۲۴ کلا بی توجهی میکردند است. بعنوان مثال اشوکیدزه (Enukidze) یکی از اعضای سونا رکم در ۱۹۲۸ در پاسخ به اعتراضاتی که بر علیه این بی توجهی سونا رکم در کمیته اجرایی سراسری شوراها طرح شدند، تصدیق کرد که از پس از ایجاد اتحاد جماهیر شوروی تا آن زمان سونا رکم و پیرزیدیم کمیته اجرایی در مجموع ۴۲۵ قانون، ۸۸ قطعنامه مخفی و ۵۳۸ تصمیم مختلف را به تصویب رسانده بودند بدون آنکه کمیته اجرایی سراسری را چه بدوا و چه متعاقبا در جریان امور قرار داده باشند. (۱۷۵)

با سلب حقوق و اختیارات نهادهای شورایی در زمینه مسائل اقتصادی، قضایی، امنیتی، نظامی، ... و تفویض این حقوق و اختیارات به ارگانهای متمرکز و سراسری که در وراء نهادهای شورایی بوجود آمده بودند و درقبال آنان هیچ پاسخگویی نداشتند، نه فقط ارگانهای عالی شوراها از نقش قبلی خود بی بهره گردیدند بلکه در نزد توده‌های مردم نیز شوراها نهادهای غیر موثر و بی عملی بنظر می رسیدند که صرفا از نقش تا شید کردن تصمیمات قبلا گرفته شده برخوردار بودند. چنین تصویری خود را در بی تفاوتی عمومی توده‌های کارگر و دهقان نسبت به شوراها نشان میداد. بعنوان مثال در انتخابات شوراهای شهری در سال ۱۹۲۳ فقط ۲۲ درصد افراد صاحب رای در کل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ۲۸ درصد افراد و اجده شرایط در جمهوری روسیه شوروی شرکت کردند. (۱۷۶) تا آنجا که به شوراها ی روستا بر میگشت این رقم با زهم کمتر بود. آمار مربوط به نتایج انتخابات شوراهای روستا در ۱۲ ایالت نشان میدهد که در ۱۹۲۳ فقط ۳۵ درصد کل تعداد رای دهندگان و در ۱۹۲۴ فقط ۳۱ درصد افراد و اجده شرایط در انتخابات شرکت کرده بودند. حال آنکه آمار دیگری که مربوط به نتایج انتخابات شوراهای روستا در ۶۸ ایالت میشود نشان میدهد که علیرغم شرکت ۳۷ درصد از افراد صاحب رای در انتخابات سال ۱۹۲۳، این رقم برای انتخابات سال ۱۹۲۴ به ۲۸/۹ درصد تنزل یافته بود. (۱۷۷)

رفع این بی تفاوتی عمومی کارگران و دهقانان نسبت به سرنوشت شوراها به یک معضل دولت شوروی بدل شد، زیرا در سطح محلی، پس از انحلال زمستوها و دوماهای نظام گذشته، وظایف آنان به شوراهای محلی واگذار شده بود. از اینرو عدم کارکرد منظم شوراهای محلی بدین معنا بود که در سطح محلی حداقل فعالیتها و خواستههای ضروری دولت و مردم بطور روتین و منظم نمیتوانست صورت گیرد. به منظور رفع بی تفاوتی مردم، تلاشهای جدی برای احیاء و بازسازی نهادهای

شورایی صورت گرفت. از جمله امکان بیشتری برای کا ندید شدن افراد غیر —
کمونیست جهت عضویت در کمیته اجرایی و پرزیدیوم شوراها فراهم شد؛ تلاش
بیشتری صورت گرفت تا کا ندیدها بتوانند پیش از انتخابات خود را با
انتخاب کنندگان در میان بگذارند؛ رابطه گزارش دهی ارگانهای عالی شوراها
به ارگانهای محلی فعالتر شد؛ به اختیارات و حقوق شورا های محلی افزوده شد
و... (۱۷۸)

این اقدامات به دخیل شدن بیشتر مردم در فعل و انفعالات شورا های محلی
منجر شد. بعنوان مثال در انتخابات ۲۶-۱۹۲۵ شورا های شهری در جمهوری
سویالیستی روسیه شوروی ۵۲ درصد از انتخاب کنندگان شرکت کردند (همین
رقم برای انتخابات سال ۲۵-۱۹۲۴ حدود ۴۰/۵ درصد میشد) و نسبت کمونیستها بی
که در انتخابات بعنوان عضو شورا انتخاب شدند به ۴۵/۵ درصد کاهش یافت (این
نسبت برای سال ۱۹۲۳ و ۲۵-۱۹۲۴ به ترتیب ۶۹ و ۵۷ درصد بودند). (۱۷۹) در انتخابات
شورای روستا نیز مشابه تعداد بیشتری از افراد واجد شرایط شرکت کردند. بطور
متوسط نسبت شرکت کنندگان در انتخابات ۲۶-۱۹۲۵ در مقایسه با انتخابات
۲۵-۱۹۲۴ ۵۰٪ افزایش یافت. (۱۸۰) در سال ۱۹۲۷ به درصد شرکت کنندگان باز
افزوده شد. در آن سال ۶۰ درصد از افراد واجد شرایط شهرها و ۵۳ درصد از صاحب رای
روستاها در انتخابات شورا های محلی شرکت کردند. (۱۸۱) دخالت بیشتر مردم در
انتخابات شوراها در عین حال به معنای شرکت بیشتر آنان در قبول مسئولیت ها و
وظایف این نهادها بود. طبق آمار موجود در طی ده سال اول انقلاب در مجموع
۸،۷۰۰،۰۰۰ در روستاها و ۸۰۰،۰۰۰ نفر در شهرها یک با ریا بیش از یک با بعنوان
نماینده شورا های روستا یا شهری انتخاب شده بودند؛ همینطور طبق آمار موجود در
طی همین مدت حداقل ۹ میلیون نفر بعنوان نماینده در کنگره های شهری، محلی
یا ایالتی شوراها شرکت کرده بودند، که از این تعداد ۷۰۰،۰۰۰ نفر بعنوان اعضاء
کمیته های اجرایی این ارگانها - و ۶۰ درصد از این تعداد برای اولین بار -
انتخاب شده بودند. (۱۸۲) بخش قابل ملاحظه ای از این دخالت توده ای در حیات
ارگانهای محلی شوراها قطعاً مدیون تلاشهایی بود که پس از سالهای ۲۵-۱۹۲۴ برای
احیاء و بازسازی شورا های شهری و روستایی صورت گرفته بود.

بنا بر این در مقایسه با سالهای اول دوران نپ در سال ۱۹۲۷ وضعیت شوراها
و چگونگی دخالت مردم در این نهاد بهبود یافته بود. ولی اگر قرا ربود شرکت و علاقه
توده های کارگرو زحمتکش به نهاد شورا بیشتر شده و تداوم یا بد در آن صورت ضروری
بود که وظایف و اختیاراتی که پیشتر این نهادها از آن برخوردار بودند دوباره
به آنان برگردانده میشد. چنین تحولی تنها در صورت برهم زدن اساس نپ یعنی
مناسبات سرمایه داری موجود در جامعه میتواند ممکن شود زیرا تنها در چنین

حالتی بود که زمینه‌ها و ملزومات واقعی برای آنکه کنترل کارگری مجدداً توسط شوراها کارگران اعمال شود، امور قضایی بدست شوراها سپرده شود، نیروهای انتظامی به ارگانهای شورایی جوامعگوشوند و... پدیدمی آمد. در غیر این صورت جان گرفتن دوباره شوراها که در ارتلاشهای سالهای ۱۹۲۴ به بعد برای احیاء و بازسازی آنان مقدور شده بود، تنها میتوانست پدیده‌ای موقت و گذرا باشد؛ بزودی توده‌های کارگرو زحمتکش به محدودیت‌ها و قولهای انجام نشده مسئولین و مقامات شورایی پی می بردند و دوباره همان بی تفاوتی و بی توجهی قبلی به روحیه عمومی آنان بدل میشد. بنا بر این تنها یک تحول اساسی در مناسبات اقتصادی جامعه شوروی میتواندست افزایش توان و تاثیر اجتماعی شوراها را بطور واقعی تضمین کند. تصور تداوم همزمان مناسبات حقوقی شورایی و مناسبات اقتصادی سرمایه‌داری (اعم از شکل تمام‌مادولتی یا مختلط) یک تصور غیرقابل قبول و توپیک است. البته چنین همزیستی بی‌معنوان یک امر موقت و بی‌معنی واقعیت متناقض - و طبعاً ناپایدار - ممکن است ولی نه چیزی بیش از آن.

از اینرو ضروری است که پرولتاریای سوسیالیستی طی همین دوره گذار و موقت نیز بهر اندازه و بهر میزان که بطور واقعی مقدور است اشکال و روشهای متعارف اعمال حاکمیت‌اش را که موقتا به منظور رشد مناسبات سرمایه‌داری خود و آگاهانه در این با آن عرصه تعدیل نموده، مجدداً تقویت نماید و مانع از آن شود که عقب‌نشینی‌هایش در این دوره بیش از آن میزانی که واقعا اجتناب‌ناپذیرند تداوم یابند. ولی طی دوران نپ چنین سیری در روسیه تعقیب نشد. زیرا علی‌رغم آنکه با بهبود وضع عمومی اقتصادی و سیاسی جامعه شوروی طبقه کارگر به تدریج در موقعیتی قرار میگرفت که دیگر نمیتوانست روشها و اشکال متعارف حکومتی خود را در این با آن زمینه تقویت نماید، چنین نکرد. بعنوان مثال، با شروع نپ سیستم کنترل کارگری و کمیته‌های کارخانه ملغی شده بود ولی پس از نیمه اول دهه بیست که بهبود جدی‌ای در وضع صنایع صورت گرفته بود، سیستم کنترل کارگری را میشد دوباره احیاء کرده و چند برای شروع ممکن بود این اقدام با محدودیت‌هایی همراه باشد؛ همینطور سیستم قضایی شوروی را که طی سالهای اول نپ شکل گرفته بود و در پاسخ به نیاز استان‌ها رد کردن آن مقامات مختلفش به تدریج انتعاشی شده بودند را میشد از اواسط دهه ۲۰ به بعد که توده‌های کارگرو زحمتکش بسیاری در امورات دولتی دخیل شده و به مسایل قضایی آشنایی یافته بودند، به‌نهادی تبدیل نمود که حداقل برای شروع در سطوح محلی دیگر تمام مقامات آن (دادستانها، قضات، مشاورین قضات...) توسط شوراها یا مربوطه تعیین شوند؛ همچنین با ثبات سیاسی که جامعه شوروی در اواسط دهه ۲۰ از آن برخوردار شده بود از یکسوز زمینه لازم برای توسعه و بسط سازمان میلین توده‌ای بجای ارتش

سرخ فراهم میشد و از سوی دیگر ضرورت وجود یک پلیس سیاسی که مستقل از شوراها و ارگانهای منتخب آن عمل کند، از بین میرفت. طبقه کارگر روسیه در این دوزمینیه نیز نمیتوانست عقب نشینی های قبلی را که به حکم ضرورت انجام داده بود، رفع نماید. ... اگر برای پرولتاریای سوسیالیست طی دوران نپ امکان تحول فوری سازمان اجتماعی کارکا پیتالیستی وجود نداشت و خود او آگاهان نپ را اختیار کرده بود تا زمینهای واقعی امحاء او را فراهم آورد، در آن صورت لازم بود که طی این دوره از عوارض و تاثیرات مضر این عقب نشینی آگاهان نپکا هدوملزومات جهش بعدی خود را فراهم آورد. عدم پیشروی پرولتاریای سوسیالیست در این زمینیه بدان معنی بود که طی این دوره گذار میدان مبارزه را قدم به قدم به نفع گرایشات بورژوازی که در متن چنین دوره ایی قطعاً از امکان رشد و نمو سرریسی برخوردار میشوند، ترک میگفت و راه را برای پیروزی آنان هموار میساخت. نتیجه این مبارزه در تعیین آنچه در پایان نپ میتواند اتفاق افتد بی تاثیر نبود، کاملاً برعکس، کم و کیف خود این مبارزه بود که چگونگی تحولات سالهای پس از نپ را تعیین میکرد: امحاء مناسب سرمایه داری یا ابقاء این مناسبات؛ ایجاد یک حکومت طراز کمون یا استقرار یک دولت مافوق مردم و بوروکراتیک.

قوانین اقتصادی هر جا که همراه خود را بر مناسبات سیاسی و اشکال حقوقی اعمال کرده حاکمیت طبقات آن جامعه می کوبند. (۱۸۲) تنها در صورت امحاء کارمزدی و ایجاد یک سازمان جدید تقسیم کار اجتماعی که در آن دیگر نیروی کار خرید و فروش نمیشود است که کنترل و نظارت پرروند تولید و تبع آن بر تمامی امورات مختلف جامعه بصورت اقدامی جمعی، همگانی و عمومی ممکن میشود، و تولیدکنندگان بطور واقعی و مستقیم در گرداندن جامعه شریک میشوند و با این شرکت خود زمینها و ملزومات ایجاد یک دولت متمرکز با ارگانهای مافوق مردمی را از بین میبرند. تنها در چنین جامعه ای است که مالکیت اجتماعی به یک پدیده واقعی بدل میشود زیرا تملک داشتن به معنای برخوردار بودن از اختیار برای تعیین سرنوشت موضوع مورد تملک است، و تنها در چنین جامعه ایی است که تولیدکنندگان آن هم بر پروسه تولید نظارت دارند و هم بر چگونگی توزیع فرآورده های تولید، و در نتیجه بر تمام آن وجوه اجرایی، قضایی، سیاسی، فرهنگی و ... که با ناظر بر این پروسه اند و یا از آن مشتق میشوند.

در پایان دوره نپ خلاف آنچه به منظور تحکیم و تقویت واقعی شوراها لازم بود صورت گرفت، مناسبات سرمایه داری موجود بجای آنکه امحاء شوند بشکل متمرکز و دولتی تثبیت شدند، واضح بود که در چنین تحوولی دیگر تمام آن ارگانهای کسه طی دوره نپ بطور متمرکز با گرفته، و از کنترل و نظارت مستقیم ارگانهای شورایی بدلائیل مختلف خارج شده بودند اینک یک به یک در تداوم و تثبیت این نظام

سرما به داری نقش موثر خود را ایفاء کنند؛ ارگانهای متمرکز مدیریت صنایع و اقتصاد به عامل تثبیت انقیاد اقتصادی کار به سرمایه، ارگانهای انتصابی قضایی به مدافعین حقوقی این نظام در محکوم کردن هرگونه ابراز مخالفت، و بالاخره ارگانهای متمرکز و مافوق مردم ارتش و پلیس سیاسی به مجری تصمیمات این نظام برای سرکوب هرندای مخالفی تبدیل شدند.

بدین سان جنبش شورایی انقلاب ۱۹۱۷ که بدرستی به عنوان ادا مهدهنده سنن کمون پاریس در تاریخ مبارزات کارگران جهان به ثبت رسیده، در پایان دهه ۲۰ دوران احتضار خود را از سر می گذراند، و شروع بیست و پنج ساله اول عمل پایه‌های وجودی چنین نظامی را در روسیه از بین برد.

یادداشتها

- ۱- لنین، کلیات آثار با انگلیسی، جلد ۲۳، صفحه ۲۳۴
- ۲- Oskar Anweiler, The Soviets: The Russian Workers, Peasants and Soldiers' Councils, 1905-1921, Pantheon Books, 1974, p.269
- ۳- همانجا، صفحه ۲۶۹
- ۴- تنها تشکل صنفی قانونی آن زمان "انجمن برای کمک متقابل کارگران صنایع ماشینی" بود که بدو در ۱۹۰۱ در مسکو توسط پلیس سیاسی تزار تاسیس شد. متعاقباً انجمن های مشابهی در شهرهای اودسا، خارکف، کیف، مینسک، ... به همین سان بوجود آمدند. این تشکلات زرد از آنجا که تنها ظرف علنی موجود برای طرح مطالبات و اعتراضات کارگران بر علیه کارفرماها بودند، به سرعت توده های وسیعی از کارگران را در خود گردآوردند. علیرغم اینکه فعالیت این انجمنها بسیار محدود بود ولی دستگای تزاری تاب تحمل آنرا نداشت و بالاخره در اوایل ۱۹۰۳ همگی منحل شدند. پس از انحلال این انجمنها، سازمان دیگری بنام "اتحادیه کارگران کازان" در خانات روسیه "توسط کشیش گا پون شکل گرفت. این اتحادیه در زمستان ۱۹۰۵ تظاهرات آرامی را در مقابل کاخ تزار در پتروگراد ترتیب داد که با توحش تمام توسط نیروهای مسلح تزار درهم کوبیده شد. سرکوب این تظاهرات نقطه عطف مهمی در مبارزات جنبش کارگری بود و پیش درآمد تحولاتی شد که به انقلاب ۱۹۰۵ منجر شدند.
- ۵- در ۱۰ ژوئن ۱۹۰۳ قانونی به تصویب رسید که طبق آن کارگران یک کارخانه نمیتوانستند با اجازه کارفرما کسانی را بعنوان نمایندگان نشان انتخاب کنند. ولی این تمام قضیه نبود. کارفرما پس از انتخاب این افراد مجاز بود که از میان آنان خود نما بنده کارگران بخش های مختلف کارخانه را انتخاب کند. البته نمایندگان حتی بدین شکل تعیین میشدند از هیچ مصونیتی برخوردار نبودند و کارفرما بر احتی میتواندست هر زمان که میخواست با آنان را تعویض نماید و یا از کارخانه اخراج کند.
- ۶- انویلر (Anweiler)، منبع پیشین، صفحه ۳۸
- ۷- همانجا، صفحات ۴۲-۴۵
- ۸- همانجا، صفحه ۴۲
- ۹- لنین، کلیات آثار با انگلیسی، جلد ۲۳، صفحه ۲۴۷
- ۱۰- انویلر، منبع پیشین، صفحه ۴۶
- ۱۱- در اوایل ماه نوامبر تعداد اعضا کمیته اجرایی به ۵۰ نفر رسید که از میان آنان ۲۸ نفر نماینده کارخانه ها و کارگاه ها، ۱۳ نفر نماینده سندیکا ها و ۹ نفر

- نماینده‌ها حزب سوسیالیست بودند. (ماخذ: آندره‌نین، شوراها در روسیه، کند و کاو، شماره ۷، بهار ۱۳۵۲، صفحه ۲۷)
- ۱۲- همانجا، صفحه ۳۹
- ۱۳- انویسر، منبع پیشین، صفحات ۶۰-۲۵۹
- ۱۴- همانجا، صفحه ۴۸
- ۱۵- همانجا، صفحه ۴۹
- ۱۶- همانجا، صفحه ۵۳
- ۱۷- آندره‌نین، منبع پیشین، صفحه ۴۱
- ۱۸- لنین، کلیات آثار به انگلیسی، جلد ۲۳، صفحه ۲۵۰
- ۱۹- انویسر، منبع پیشین، صفحه ۶۱
- ۲۰- همانجا، صفحه ۷۰
- ۲۱- لنین، کلیات آثار به انگلیسی، جلد ۱، صفحات ۲۰-۱۹
- ۲۲- همانجا، صفحات ۷-۱۵۶
- ۲۳- انویسر، منبع پیشین، صفحات ۹۶-۹۴
- ۲۴- همانجا، صفحه ۱۰۴
- ۲۵- همانجا، صفحه ۱۰۵
- ۲۶- همانجا، صفحه ۱۰۷
- ۲۷- لئون تریتسکی، تاریخ انقلاب روسیه، جلد ۳، ترجمه سعیدباستانی، نشر فانوس، تهران آبانماه ۱۳۶۰، صفحه ۲۱۲
- ۲۸- انویسر، منبع پیشین، صفحه ۱۰۸
- ۲۹- همانجا، صفحه ۱۰۸
- ۳۰- همانجا، صفحه ۱۰۹
- ۳۱- همانجا، صفحه ۱۱۴
- ۳۲- برای جزئیات این قضیه رجوع شود به:
- Johan L.H. Keep, The Russian Revolution, A study in Mass Mobilization, Weidenfeld and Nicolson, 1976, p. 116
- ۳۳- انویسر، منبع پیشین، صفحه ۱۱۵
- ۳۴- کیپ (Keep)، منبع پیشین، صفحات ۲۱-۱۲۰
- ۳۵- انویسر، منبع پیشین، صفحه ۱۱۵
- ۳۶- همانجا، صفحه ۱۱۳؛ کیپ، منبع پیشین، صفحه ۱۱۴
- ۳۷- برای مطالعه متن کامل این قرار به منبع زیر رجوع شود:
- B. Dmytryshyn, USSR A Concise History, Fourth Edition, Charles Scribner's Sons, 1984, p. 409

- ۳۸- انویلر، منبع پیشین، ۱۱۸
- ۳۹- همانجا، صفحه ۱۲۵؛ کیپ، منبع پیشین، صفحه ۷۹
- ۴۰- برای مطالعه بیشتر در مورد کمیته‌های کارخانه، رجوع شود به مقاله‌ای که تحت همین عنوان در این شماره بولتن درج شده است.
- ۴۱- برای توضیح بیشتر در این زمینه رجوع شود به منبع زیر:
E.H.Carr, The Bolsheviki Revolution 1917-1923, Vol. 2, Penguin Books, 1984, pp. 68-9
- ۴۲- کیپ، منبع پیشین، صفحات ۲-۲۲۱
- ۴۳- انویلر، منبع پیشین، صفحه ۱۲۱؛ یک منبع دیگر تعداد نمایندگان حاضر در کنگره را ۱۳۵۳ نفر برآورد کرده است (رجوع شود به کیپ، منبع پیشین، صفحه ۲۲۳).
- ۴۴- همانجا، صفحه ۲۳۴
- ۴۵- همانجا، صفحات ۴-۲۲۳
- ۴۶- کیپ تعداد شوراهای بخش در آن زمان را ۳۸۸ عدد برآورد کرده است (همانجا، صفحه ۲۲۸).
- ۴۷- انویلر، منبع پیشین، صفحه ۱۲۱
- ۴۸- کیپ، منبع پیشین، صفحه ۲۲۸
- ۴۹- همانجا، صفحه ۱۲۹
- ۵۰- همانجا، صفحه ۱۳۰؛ یک منبع دیگر تعداد نمایندگان این کنفرانس را ۴۸۰ نفر برآورد کرده است (انویلر، منبع پیشین، صفحه ۱۲۲).
- ۵۱- همانجا، صفحه ۱۲۳
- ۵۲- همانجا، صفحه ۱۲۳
- ۵۳- کیپ، منبع پیشین، صفحه ۱۳۱
- ۵۴- انویلر، منبع پیشین، صفحه ۱۲۴
- ۵۵- کیپ، منبع پیشین، صفحات ۹-۱۳۴
- ۵۶- انویلر، منبع پیشین، صفحه ۱۲۸
- ۵۷- همانجا، صفحه ۱۲۳
- ۵۸- جناح اقلیت چپ منشویکها به رهبری ما رتف (موسوم به منشویکهای انترناسیونالیست)، جناح چپ سوسیال رولوسیونرها، و سوسیال دمکراتهای متحدان جمله جریان‌های کوچکتری بودند که هما نند بلشویکها با قدرت‌گیری شوراها موافق بودند هرچند آنان درباره مفهوم این قدرت‌گیری و شیوه تحقق آن با بلشویکها اختلاف داشتند.
- ۵۹- لنین، منتخب آثار به فارسی، صفحه ۴۵۳

- ۶۰- همانجا، صفحات ۱- ۴۸۰
- ۶۱- لنین، کلیات آثار به انگلیسی، جلد ۲۴، صفحه ۲۳۰
- ۶۲- لنین، منتخب آثار به فارسی، صفحه ۴۸۱
- ۶۳- همانجا، صفحه ۴۸۲
- ۶۴- انویلر، منبع پیشین، صفحه ۱۱۰
- ۶۵- همانجا، صفحه ۱۲۳
- ۶۶- کیپ، منبع پیشین، صفحه ۱۴۶
- ۶۷- برای جزئیات بیشتر در این زمینه رجوع شود به: انویلر، منبع پیشین، صفحات ۸۵- ۱۷۶؛ و کیپ، منبع پیشین، صفحات ۵۲- ۱۴۰
- ۶۸- انویلر، منبع پیشین، صفحه ۱۸۰
- ۶۹- لئون ترتسکی، منبع پیشین، صفحه ۳۱۸
- ۷۰- همانجا، صفحات ۵- ۲۸۴. برای اطلاع بیشتر در مورد جزئیات مربوط به ترتیب نمایندگان کنگره رجوع کنید به انویلر، منبع پیشین، صفحات ۱- ۲۶۰.
- ۷۱- First Decrees of Soviet Power, Compiled by Yuri Akharpkin, Lawrence & Wishart, 1970, pp. 27-8
- ۷۲- برای جزئیات بیشتر در این مورد رجوع کنید به انویلر، منبع پیشین، صفحات ۴- ۳۰۱
- ۷۳- همانجا، صفحه ۲۰۶
- ۷۴- کیپ، منبع پیشین، صفحه ۳۲۱؛ یک منبع دیگر تعداد اعضاء کمیته اجرایی در آن زمان را بیش از ۳۵۰ نفر برآورد کرده است [رجوع کنید به ای. ا. ج. کار (E. H. Carr)، منبع پیشین، جلد ۱، صفحات ۱- ۱۲۰]
- ۷۵- متن پیش نویس این سند در منتخب آثار لنین به فارسی صفحه ۵۸۰ موجود است برای مطالعه متن نهایی این سند رجوع کنید به آخا پکین (Akharpkin)، منبع پیشین، صفحات ۸- ۷۶
- ۷۶- کیپ، منبع پیشین، صفحه ۳۳۴
- ۷۷- همانجا، صفحات ۴- ۸۳
- ۷۸- کیپ، منبع پیشین، صفحه ۵۲۹، توضیح ۹۸
- ۷۹- انویلر، منبع پیشین، صفحه ۲۱۹
- ۸۰- همانجا، صفحه ۲۲۰
- ۸۱- کیپ، منبع پیشین، صفحات ۴۵۰ و ۴۵۹
- ۸۲- این قرار بعداً توسط قرار دیگری تکمیل شد (رجوع کنید به آخا پکین، منبع پیشین، صفحات ۱۰۹-۹۹). در آن زمان علاوه بر دادگاههای عادی خلقی، دادگاههای ویژه انقلابی نیز تشکیل شدند. در این دادگاهها نیز قضات،

مشاورین قضات، دادستان، وکیل مدافع، هیئت منصفه، هیئت با زرسی شواهد و غیره همگی انتخابی بودند، برای اطلاع بیشتر در این زمینه به منبع زیر رجوع شود:

Soviet Government, A Selection of Official Documents on Internal Policy, Edited by Mervyn Matthews, Jonathan Cape Ltd., 1974, pp.233-6

۸۳- همانجا، صفحه ۳۹

۸۴- ای. ا. چ. کار، منبع پیشین، جلد ۱، صفحه ۱۴۰

۸۵- رجوع شود به ماده نهم قانون اساسی ۱۹۱۸، بولتن حاضر، صفحه ۳۷۳.

۸۶- قانون اساسی ۱۹۱۸، ماده ۷، مندرج در ماثیو (Matthew)، منبع پیشین، صفحه ۳۹

۸۷- قانون اساسی ۱۹۱۸، ماده ۶۴ الف، بولتن حاضر، صفحه ۳۸۱

۸۸- ماده ۶۵، همانجا، صفحه ۳۸۲

۸۹- لنین، کلیات آثار به انگلیسی، جلد ۲۹، صفحات ۵-۱۸۴

۹۰- ماده ۲۴، بولتن حاضر، صفحه ۳۷۵

۹۱- ماده ۶۱، همانجا، صفحه ۳۸۱

۹۲- همانجا، صفحه ۳۷۳

۹۳- دیمیتریوشین (Dmytryshyn)، منبع پیشین، صفحات ۱۰۴-۹۱

۹۴- ای. ا. چ. کار، منبع پیشین، جلد ۳، صفحه ۷۱

۹۵- همانجا، صفحه ۷۳

۹۶- آخا پکین، منبع پیشین، صفحه ۱۳۷

۹۷- E.H.Carr, Socialism in One Country 1924-1926, Vol.2, Penguin Books, 1970, p.401

۹۸- ای. ا. چ. کار، انقلاب بلشویکی (Bolshevik Revolution)، جلد ۱، صفحه ۱۷۷

۹۹- همانجا، صفحات ۱-۱۷۰

۱۰۰- همانجا، صفحه ۱۷۳

۱۰۱- همانجا، صفحه ۱۸۰

۱۰۲- همانجا، صفحه ۱۸۲

۱۰۳- همانجا، صفحه ۱۴۱؛ انویسر، منبع پیشین، صفحه ۲۲۲

۱۰۴- ای. ا. چ. کار، منبع پیشین، جلد ۲، صفحه ۹۱

۱۰۵- برای جزئیات بیشتر رجوع شود به همانجا، صفحات ۵-۱۹۴

۱۰۶- همانجا، صفحه ۱۹۷

- ۱۰۷- مشیو، منبع پیشین، صفحات ۷-۱۰۶
- ۱۰۸- ای. ا. چ. کار، منبع پیشین، جلد ۲، صفحه ۱۹۴. در حقیقت در این کنگره ۴ شکل بینا بینه برای گذار از مدیریت جمعی به مدیریت فردی پذیرفته شد (همانجا، صفحه ۱۹۴) ولی تا پایان سال ۱۹۲۰ دیگر بیش از ۸۶ درصد از صنایع دولتی از مدیریت فردی برخوردار شده بودند.
- ۱۰۹- لنین نقل شده در "مبارزه طبقاتی در شوروی" جلد ۱، شارل بتلهایم، انتشارات پژواک، صفحه ۱۷۷
- ۱۱۰- لنین، نقل شده در همانجا، صفحه ۱۷۵
- ۱۱۱- ای. ا. چ. کار، منبع پیشین، جلد ۲، صفحه ۱۸۸
- ۱۱۲- همانجا، صفحات ۷-۸۴
- ۱۱۳- همانجا، صفحه ۹۲
- ۱۱۴- همانجا، صفحه ۱۸۰
- ۱۱۵- همانجا، صفحات ۵-۱۸۴
- ۱۱۶- انویلر، منبع پیشین، صفحه ۲۳۵
- ۱۱۷- کیپ، منبع پیشین، صفحه ۲۲۱
- ۱۱۸- تبصره ماده ۴۱ قانون اساسی ۱۹۱۸ تصریح میکند، "شورای کمیاریا های خلق خودمیتوانند مستقیماً اقدامات اضطراری را در دستور کار قرار دهد" (ماخذ: مشیو، منبع پیشین، صفحه ۴۳).
- ۱۱۹- طی دوران جنگ داخلی تقریباً بجز در شهر پتروگرا دو مسکودر سایر مناطق کمیته اجرایی شورا های شهری در کمیته اجرایی شورا های منطقه ایی ادغام شده بودند و شورا های محلی و بخشی عملاً از بین رفته بودند (ماخذ: انویلر، منبع پیشین، صفحه ۲۳۵).
- ۱۲۰- کیپ، منبع پیشین، صفحات ۳-۳۲۲
- ۱۲۱- ای. ا. چ. کار، منبع پیشین، جلد ۱، صفحه ۲۲۱
- ۱۲۲- همانجا، صفحه ۲۲۱
- ۱۲۳- همانجا، صفحه ۲۲۴
- ۱۲۴- مشیو، منبع پیشین، صفحه ۱۳۵
- ۱۲۵- لنین، کلیات آثار با نگلیسی، جلد ۲۹، صفحات ۴-۱۸۳
- ۱۲۶- این نگرش لنین به قضیه را در کارهای دیگر او در این دوره نیز میتوان مشاهده کرد. از جمله در رابطه با جایگاه تعاونی ها وی در ۱۹۲۳ می نویسد:
- از نقطه نظریک اروپایی "متحدن" (وقبل از همه با سواد) برای ما انجام کار بسیار کمی مانده است تا بدون استثناء همه را واداریم در معاملات کثویرا تبهوی اشتراک جویند،

آنهمه شرکت با سیف بلکه شرکت آکتیف، اصولا برای ما "فقط" یک چیز باقی مانده است: و آن اینکها هالی کشور را بحدی "متمدن" سازیم که تمام مزایای اشتراک همگانی در کثوپراسیون را درک کنند و امر این اشتراک را روبراه سازند. "فقط" همین مانده است... ما بقا ما مرکز ثقل را روی مبارزه سیاسی، انقلاب، تصرف قدرت حاکم و غیره قرار میدادیم و میبایست هم قرار بدهیم. ولی اکنون مرکز ثقل تا آنجا تغییر می یابد که به کارهای صلح آمیز تشکیلاتی "فرهنگی" منتقل میگردد... برای ما اکنون این انقلاب فرهنگی کافی است تا به کشوری کاملاً سوسیالیستی بدل شویم... (منتخب آثار، صفحات ۷-۸۶۵).

- ۱۲۷- لنین نقل شده در "انقلاب بلشویکی"، جلد ۱، ای.اچ.کار، صفحه ۲۳۰
- ۱۲۸- برای اطلاع از جزئیات بیشتر در مورد این نهاد رجوع شود به ای.اچ.کسار، منبع پیشین، جلد ۱، صفحات ۴-۲۳۰. در مورد ملاحظات لنین درباره این نهاد رجوع کنید به مقالات وی تحت عنوان "چگونه بازرسی کارگری و دهقانی را تجدید سازمان بدهیم" و "بهبتر است کمتر، ولی بهتر باشد" مندرج در منتخب آثار فارسی صفحات ۸۷۶ - ۸۶۹.
- ۱۲۹- بعنوان مثال بلافاصله پس از پایان موفقیت آمیز جنگ داخلی پرزیدیموم کمیته اجرایی سراسری شوراها لزوم فعال کردن مجدد نهادهای شورایی را یادآور شد و ضرورت بازسازی و ترمیم ضرباتی که طی دوران جنگ داخلی به ساختار و عملکرد روتین شوراها محلی وارد آمده بود را خاطر نشان ساخت. در فوریه ۱۹۲۱ پرزیدیموم کمیته اجرایی طی یک نامه درونی دست اندرکاران جنبش شورایی را فراخواند تا "توده های وسیع کارگران را برای بازسازی شوراها بر اساس قانون اساسی تربیت کنند" (انویسر، منبع پیشین، صفحه ۲۳۶) و در همان نامه تقاضا میکند که انتخابات جدید شوراها فوراً برگزار شده، و شوراها محلی جلسات روتین خود را جهت بررسی تمام مسائل مهم و ضروری بطور منظم تشکیل دهند.
- ۱۳۰- برای توضیح بیشتر در این باره رجوع شود به مقالات زیر که در شماره دوم بولتن نظرات و مباحثات درج شده اند:
- معرفی مختصر نپ (سیاست اقتصادی نوین در شوروی ۲۹ - ۱۹۲۱)، نسربین جلالی
- درباره چند ارزیابی از نپ، اهرج فرزاد
- بررسی انتقادی سیاست اقتصادی بلشویکها، ۲۳ - ۱۹۱۸، صلاح ایزدی

۱۲۱- زینویف به همان کنگره گزارش میدهد که تمام صدر کمیته‌های اجرایی منطقه‌ای شوراها توسط کمیته مرکزی حزب انتخاب میشوند زیرا در غیر این صورت همه چیز برهم میخورد (ای.اچ.کار، منبع پیشین، جلد ۱ صفحه ۲۲۷).

۱۲۲- همانجا، صفحات ۷ - ۲۳۶؛ البته زینویف با تاکید بر نقش بیشتر کمیته مرکزی هدف دیگری نیز تعقیب میکرد، وی بدین وسیله سعی میکرد تا اختیارات دبیرخانه حزب و دبیرکل آنرا - یعنی استالین - تحدید نماید.

۱۲۳- زینویف این مسئله را چنین تئوریزه میکند:

اتفاق نظری که بر سر [وجوه مختلف] دیکتاتوری پرولتاریا وجود دارد را میتوانیم در رابطه با مسائل زیرچنین بیان کنیم. دیکتاتوری پرولتاریا، دیکتاتوری یک طبقه است اگرچه آن از یک موضع طبقاتی و اجتماعی نگاه شود. این دیکتاتوری، دیکتاتوری دولت شوراها یعنی دیکتاتوری شورایی است اگرچه آن از زاویه شکل حقوقی قضیه یعنی مشخصاً به مثابه یک دولت برخوردار شود. این دیکتاتوری، دیکتاتوری حزب است اگرچه همان مسئله این بار از زاویه رهبری کردن نگریسته شود یعنی در رابطه با مکانیسم داخلی تمام پیکره یک جامعه انتقالی دیده شود.

[ماخذ: ای.اچ.کار، سوسیالیسم در یک کشور (Socialism in One Country)، جلد اول، صفحات ۸-۱۱۷]

۱۲۴- ای.اچ.کار، انقلاب بلشویکی، جلد ۱، صفحات ۷-۲۳۶

۱۲۵- Alec Nove, An Economic History of the U.S.S.R.,

Penguin Books, 1984, p.82

۱۲۶- ای.اچ.کار، منبع پیشین، جلد ۲، صفحه ۳۰۸

۱۲۷- همانجا، صفحه ۳۰۶

۱۲۸- الک نوو، (Alec Nove)، منبع پیشین، صفحه ۹۷

۱۲۹- ای.اچ.کار، منبع پیشین، جلد ۲، صفحات ۸-۴۰۷ و ۴۱۰

۱۴۰- برای جزئیات بیشتر در این مورد رجوع شود به:

- الک نوف، منبع پیشین، صفحات ۱۵-۲۱۳

- E.H.Carr and R.W.Davies, Foundations of A Planned Economy 1926-1929, Vol.One-II, Macmillan Press Ltd., 1969, pp.802-8.

- ۱۴۱- ماده ۵ قرار شورای کمیساریای خلق در مورد مورقضایی، آخاپکین، منبع پیشین، صفحه ۲۵
- ۱۴۲- همانجا، صفحات ۱۰۷ - ۹۹
- ۱۴۳- ماده ۲۹، قرار شماره ۲ کمیته اجرایی سراسری و شورای کمیساریای خلق در مورد مورقضایی (فوریه ۱۹۱۸)، همانجا، صفحه ۱۰۵
- ۱۴۴- ماده ۲۴، همانجا، صفحه ۱۰۴
- ۱۴۵- ماده ۲۱، همانجا، صفحه ۱۰۴
- ۱۴۶- ماده ۴، همانجا، صفحه ۱۰۰
- ۱۴۷- ای. ا. چ. کار، سوسیالیسم در یک کشور، جلد ۱، صفحه ۸۲
- ۱۴۸- لنین، کلیات آثار با انگلیسی، جلد ۲۹، صفحه ۱۸۲
- ۱۴۹- ای. ا. چ. کار، منبع پیشین، صفحه ۸۸
- ۱۵۰- همانجا، صفحات ۹۳ - ۸۳
- ۱۵۱- کریلنکو (Krylenko) دادستان کشور در این باره چنین اظهار نظر میکند:
پنج سال پس از ایجاد قدرت شوراها، بویژه در دوره بسط مناسبات حقوق مدنی، ما دیگر میبایست این اصل را که هرکس میتواند قضای [دادگاههای] خلقی شود مردود بدانیم.
[ماخذ: ای. ا. چ. کار، منبع پیشین، صفحه ۹۵]
- ۱۵۲- برای آشنایی با نظر لنین در این مورد رجوع شود به مقاله "در باره تبعیت دوگانه و قانونیت" مندرج در منتخب آثار فارسی، صفحات ۴ - ۸۵۲.
- ۱۵۳- ای. ا. چ. کار، منبع پیشین، صفحه ۹۵
- ۱۵۴- یادآور میشویم که طبق قانون اساسی ۱۹۲۴ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از یک کمیساریای سراسری برای دادگستری برخوردار نبود، بلکه هر جمهوری خودمستقلا یک کمیساریای خلق برای دادگستری داشت.
- ۱۵۵- ای. ا. چ. کار، منبع پیشین، صفحات ۸ - ۹۷
- ۱۵۶- ای. ا. چ. کار، "مبانی یک اقتصاد پلانر" (Foundations of A Planned Economy)، جلد ۲، صفحه ۲۴۸
- ۱۵۷- ای. ا. چ. کار، "سوسیالیسم در یک کشور"، جلد ۱، صفحات ۱۰۱ - ۹۸، همینطور به خلاصه نظرات ای. پاشوکانین (E. Pashukanis)، حقوقدان بلشویک، که در منبع زیر موجود است رجوع شود:
- Soviet Legal Philosophy, Edited by H. Babb, Harvard, 1951, pp. 111-225
- ۱۵۸- ای. ا. چ. کار، "انقلاب بلشویکی"، جلد ۱، صفحه ۱۸۸
- ۱۵۹- همانجا، جلد ۲، صفحه ۲۵۳

- ۱۶۰- رجوع شونده مواد ۶۱ تا ۶۳ از قانون اساسی ۱۹۲۴، مندرج در منبع پیشین از مٹیو، صفحه ۶۱
- ۱۶۱- ای. ا. چ. کار، "سوسیالیسم در یک کشور"، جلد ۲، صفحه ۴۶۹
- ۱۶۲- همانجا، جلد ۲، صفحه ۴۰۶
- ۱۶۳- لنین از همان سال بر روی ایده میلیس توده ای تا کید داشت، از جمله او میگوید:
- مردم با بیستی تا آخرین نفرها دبیگیرند که چگونه
اسلحه حمل کنند، و تا آخرین نفرانان میبایست بیست
میلیشایی که قرار است جایگزین پلیس و ارتش داشمی
شوند، بپیوندند. (ماخذ: همانجا، صفحه ۳۹۷)
- ۱۶۴- ما رکس ضمن دفاع از اقدام کموناردهای پاریس برای ایجاد یک میلیس
توده ایی مسئله را تعمیم داده میگوید:
- مردم تنها کافی بود تا این میلیشایا در مقیاس
کشوری سازمان میدادند تا از شر ارتشهای داشمی خلاصی
یابند! این اقدام اولین شرط ضروری اقتصادی برای
پیشبرد همه اصلاحات اجتماعی است؛ زیرا با این اقدام
فورا یکی از علل مالیات گیری و قروض دولتی رفع شده و
خطور داشمی غصب دولت توسط طبقات حاکم بر طرف میشود
... در عین حال این اقدام مطمئن ترین ضمانت بر
علیه آنها جم خا رجی است... و دهقانان را از پرداخت
مالیات خونی آزاد میسازد (کارل مارکس، کلیات آثار
به انگلیسی، جلد ۲۲، صفحه ۴۸۸).
- ۱۶۵- ای. ا. چ. کار، "سوسیالیسم در یک کشور"، جلد ۲، صفحات ۱۱-۲۱۰
- ۱۶۶- همانجا، صفحه ۴۱۷
- ۱۶۷- همانجا، صفحه ۴۱۹
- ۱۶۸- ای. ا. چ. کار، "مبانی یک اقتصاد دبا برنامہ"، جلد ۲، صفحه ۳۱۵
- ۱۶۹- ای. ا. چ. کار، "سوسیالیسم در یک کشور"، جلد ۲، صفحه ۴۳۷
- ۱۷۰- همانجا، صفحه ۴۲۳
- ۱۷۱- همانجا، صفحه ۴۴۱
- ۱۷۲- برای جزئیات بیشتر در این باره رجوع شونده ای. ا. چ. کار، "مبانی یک
اقتصاد دبا برنامہ"، جلد ۲، صفحات ۸-۳۲۷
- ۱۷۳- تفسیر فواصل برگزاری کنگره های سراسری شوراها به دو سال یکبار بطور
رسمی در این کنگره به تصویب رسید و تا سال ۱۹۳۱ کنگره های سراسری در
فواصل هر دو سال یکبار برگزار شدند.

- ۱۷۴- ای. ا. ج. کار، "سوسیالیسم در یک کشور"، جلد ۲۲، صفحه ۲۵۹
- ۱۷۵- ای. ا. ج. کار، "مبانی یک اقتصاد دبا برنامہ"، جلد ۲، صفحه ۲۰۶
- ۱۷۶- ای. ا. ج. کار، "سوسیالیسم در یک کشور"، جلد ۲، صفحه ۳۸۲
- ۱۷۷- همانجا، صفحه ۳۳۹
- ۱۷۸- برای جزئیات بیشتر در این مورد رجوع کنید به همانجا - صفحات ۹۶ - ۳۲۵
- ۱۷۹- همانجا، صفحات ۶ - ۳۸۵
- ۱۸۰- برای جزئیات بیشتر رجوع کنید به همانجا، صفحات ۳ - ۳۷۲
- ۱۸۱- ای. ا. ج. کار، "مبانی یک اقتصاد دبا برنامہ"، جلد ۲، صفحه ۲۸۰
- ۱۸۲- همانجا، صفحه ۲۸۵
- ۱۸۳- ما رکیس در بررسی کمون پاریس این نکته را چنین گوشزد میکند:
- کمون اساساً یک دولت کارگری بود، دولتی که ما حاصل می‌آرزیم بین طبقات تولیدکننده و صاحب‌کننده است، یعنی آن شکل سیاسی بی‌که با لایحه کشف شدتاً تحت آن آزادی اقتصادی کار ممکن شود. بدون این شرط اخیر، سازمان کمونی یک چیز غیر ممکن و یک خدعه خواهد بود. تسلط سیاسی تولیدکننده نمیتواند با ادامه اسارت اجتماعی اش سازگار باشد. بنا بر این کمون میبایست به مثابه هرمی عمل میکرد که پایه اقتصاد بقای طبقات و بنا بر این سلطه طبقاتی را ریشه کن میسازد. [تنها] وقتی کار را از اسارت رها شود است که هر انسان به کارگری تولیدکننده بدل خواهد شد و کار تولیدی دیگر خصوصیت طبقاتی نخواهد داشت. (کارل مارکس، جنگ داخلی در فرانسه (متن انگلیسی)، انتشارات پروگرس، صفحه ۵۷).

بخش اسناد

اسنادی که ترجمه آنها را در صفحات بعد ملاحظه میکنید از منابع زیر استخراج شده‌اند:

- انقلاب روسیه و دولت شوراها ۱۹۲۱ - ۱۹۱۷، اسناد، به انتخاب و ویرایش مارتین مک کولبی، ۱۹۸۳*

- دولت شوروی، منتخبی از اسناد رسمی درباره سیاست داخلی، به ویرایش مروین مٹیو، ۱۹۷۴**

سند شماره ۱ از منبع اول و سایر اسناد از منبع دوم برداشته شده‌اند.

* The Russian Revolution & the Soviet States 1917-21, Documents Selected & Edited by Martin McCauley, 1983

** Soviet Government, A Selection of Official Documents on Internal Policy, Edited by Mervin Matthews, Jonathan Cape, 1974.

قراردارۀ حقوق ووظایف شوراهای (۶ ژانویه ۱۹۱۸)

- ۱- شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان، دهقانان و کارگران زراعی ارگانهای محلی (قدرت) و در موضوعات محلی کاملاً مستقلند لکن همواره مطابق احکام و تصمیمات قدرت شوروی مرکزی و ارگانهای بزرگتر (شوراهای اوژده، گوبرنیا و ولوست) ، که خود جزئی از آنهاند، عمل میکنند .
- ۲- شوراهای همانند ارگانهای قدرت مسئول اداره امور و خدمتگذار در تمامی عرصه های زندگی محلی، یعنی عرصه های اداری، اقتصادی، مالی، فرهنگی و آموزشی اند .
- ۳- در زمینه مدیریت امور، شوراهای باید تمامی احکام و تصمیمات قدرت مرکزی را به اجراء گذارند، با اتخاذ تدابیر لازم این تصمیمات را در وسیع ترین حد ممکن به اطلاع اهالی برسانند، احکام اجباری صادر کنند، مطالبات دولتی و معادرات را به انجام رسانند، جریمه ببندند، ارگانهای ضد انقلابی مطبوعات را توقیف کنند، دستگیری ها را انجام دهند، تشکلهای اجتماعی بی را که با قدرت شوروی فعالانه ضدیت میورزند یا در صددرنگونی آنهاند منحل سازند .
- تبصره : شوراهای در مورد تمامی اقدامات انجام شده خود برای قدرت شوروی مرکزی گزارش تهیه خواهند کرد و در مورد مهمترین مسائل زندگی محلی اطلاعات خواهند داد .
- ۴- شوراهای از میان اعضای خود یک ارگان اجرائی (کمیته) اجرائی، پریزیدیوم (انتخاب خواهند کرد که مسئولیت اجرای تمامی تصمیمات و تمامی کارهای اداری آن را بر عهده خواهند داشت .
- تبصره :
- الف) کمیته های نظامی انقلابی که بعنوان ارگانهای رزمی در طی انقلاب بوجود آمدند منحل میگرددند .
- ب) بعنوان یک تدبیر موقت، انتخاب کمیته در آن گوبرنیاها و اوژدها می که قدرت شوراهای هنوز استقرار لازم را نیافته یا کاملاً برسمیت شناخته نشده مجاز است .
- ۵- شوراهای، در صورت ارائه تخمین حتی المقدور دقیق [از مورد مصرف اعتبار] میتوانند از محل منابع دولتی اعتبارات سه ماهه بدهند .
- کمیته ریای خلق امور داخله .

(سند شماره دو)

قرار درباره سازمان شوراهای ایالتی (۵ ژانویه ۱۹۱۸)

اساسنامه شوراهای را میتوان به بخشهای زیر تقسیم نمود: ۱ - هدف از سازماندهی شوراهای؛ ۲ - مبنا و ترتیب نمایندگی؛ ۳ - اجزای شوراهای؛ ۴ - انتخابات هیئت رئیسه [پریزیدیوم] و کمیته اجرایی؛ ۵ - وظایف هیئت رئیسه؛ ۶ - کمیته اجرایی و وظایف آن؛ ۷ - نشستهای عمومی؛ ۸ - کمیته ها.

۱ - هدف از سازماندهی شوراهای

شورای نمایندگان کارگران، سربازان، دهقانان و قزاقان یک ارگان دولتی حاکمیت دموکراسی انقلابی، و نیز ظرف قدرت حکومتی در ایالات است. شورا اهداف زیر را دنبال میکند:

الف) سازماندهی توده های زحمتکش کارگران، دهقانان، سربازان و قزاقان؛
ب) مبارزه با جریان های ضد انقلابی، تحکیم جمهوری شوروی و کلیه آزادی های بدست آمده برای انقلاب اکتبر.

۲ - مبنا و ترتیب نمایندگی در شوراهای

الف - شورای نمایندگان کارگران، سربازان، دهقانان و قزاقان از یک یا دو نماینده از هر یک از سازمان های کارگری، سربازان، دهقانان و قزاقان (احزاب، اتحادیه ها، کمیته ها، و غیره) در شهرها، روستاها و مناطق اسکان، تشکیل میشود؛

ب - دهقانان از هر شهر دو نماینده به شورای منطقه می فرستند (هر شورای شهر از هر منطقه اسکان، روستا، یا قصبه یک یا دو نماینده در خود دارد).

پ - قزاقان از هر روستا دو (یا سه) نماینده به شورای منطقه ای کارگران، سربازان، دهقانان و قزاقان، و از هر واحد (منطقه اسکان کوچک)، قصبه، یا شهرک یک نماینده به شورای روستا می فرستند (در مناطق قزاق نشین تعداد

نمایندگان دهقانان در شورای منطقه به نسبت [جمعیت] روستا است).

ت - کارگران و توده های زحمتکش پرولتری در شهرهایی که جمعیت پرولتاریای شهری از ۵۰۰۰ یا ۶۰۰۰ نفر تجاوز نمیکند بر مبنای زیر نماینده انتخاب میکنند:

۱ - از هر بنگاه که صد نفر در استخدام دارد یک نماینده

۲ - از بنگاه‌های که بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر در استخدام دارند دو نماینده؛
۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر سه نماینده، و به همین ترتیب.

۳ - بنگاه‌های که کمتر از پنجاه نفر در استخدام دارند در صورت امکان با بنگاه‌های کوچک مشابه خود جمع شده یک نماینده مشترک به شورا می‌فرستند. بنگاه‌های که امکان جمع شدن ندارند نماینده خود را مستقل می‌فرستند.

ث - سربازان پادگانهای محلی (قزاقان، ناویان) نمایندگان خود را بر مبنای زیر به شورا می‌فرستند: هر گروهان، گردان، تیپ، و غیره، دو نماینده برای شورا انتخاب میکند؛ کارکنان دفتری، پرستاران بیمارستانی، واحدهای نگهداری اسب، و دیگر واحدهای کوچک هر کدام یک نماینده انتخاب میکنند.

ضمانت بنسب ۲: ۱) هر عضو منتخب جدید شورا موظف به ارائه گواهی‌نامه‌ای از طرف انتخاب‌کنندگان حوزه خویش است که از جانب کمیته اعتبارنامه مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ ۲) انتخاب‌کنندگان حق دارند هر یک از نمایندگان منتخب خود را در صورت تخلف از دستورالعمل‌های خویش عزل و شخص دیگری را بجای او انتخاب کنند؛ ۳) هر بخش شورا (بخش کارگری، بخش سربازی، و غیره) حق دارد تا حد نصاب یک پنجم تعداد کل اعضای خود از فعالین باتجربه و مورد نیاز در خود بپذیرد. اشخاصی که بدین ترتیب [در بخش‌های مختلف شورا] پذیرفته میشوند حق دارند با رأی مشورتی در نشست‌های عمومی شورا، کمیته‌ها و بخش‌های آن شرکت کنند.

۳ - بخش‌های شورا

الف - هر شورا ۴ بخش دارد: برای دهقانان، کارگران، سربازان و قزاقان هر کدام یک بخش؛
ب - هر بخش از میان اعضای خود هیئت رئیسه‌ای متشکل از یک رئیس، دو نایب-رئیس، و دو منشی انتخاب میکند، و این هیئت رئیسه کلیه کارهای بخش مربوطه را اداره میکند؛

پ - گروه‌های حزبی موجود [در شورا] به نسبت تعداد اعضای خود میتوانند در هیئت رئیسه نماینده داشته باشند.

۴ - انتخابات هیئت رئیسه و کمیته اجرایی

الف - اعضای هر یک از بخش‌های شورا یک هیئت رئیسه انتخاب میکنند، که اعضای آن

- در یک جلسه عمومی از طریق رأی همگانی، مستقیم، مساوی، و مخفی، به نسبت ها و تعدادی که در بند ۳ (بخشهای شورا) مذکور است انتخاب میشوند؛
- ب- هیئت های رئیسه تمامی بخشهای شورا هیئت رئیسه کل شورا را تشکیل میدهند، که از میان اعضای خود یک رئیس کل برای کلیه بخشها، دونا پب- رئیس، و دو منشی انتخاب میکنند؛
- پ- مجمع عمومی شورا علاوه بر هیئت رئیسه از میان اعضای خود یک کمیته اجرایی انتخاب میکند که سهمیه نماینده در آن به نسبت تعداد اعضای هر گروه حزبی است (و نه تعداد اعضای هر بخش شورا)، به ترتیبی که تعداد اعضای کمیته اجرایی از یک پنجم تعداد کل اعضای شورا بیشتر نشود.
- ت- اعضای هیئت رئیسه بخشی از اعضای هیئت اجرایی را تشکیل میدهند و از حقوق برابر با سایر اعضای آن برخوردارند.

۵- وظایف هیئت رئیسه

- الف- هیئت رئیسه ارگان اداره کننده کل شورا است و در مورد تمامی مسائلی که تأخیر در آنها جا بیز نیست مستقلاً اتخاذ تصمیم میکند؛
- ب- هیئت رئیسه حداقل ۴ بار در هفته تشکیل جلسه میدهد؛
- پ- هیئت رئیسه گزارش فعالیت های خود را به کمیته اجرایی و کل شورا تسلیم میکند، و این دو حق دارند آنان را در هر زمان و در هر مقطع از کارشان عزل و کسان دیگری را جانشین آنان سازند؛
- ت- هیئت رئیسه در کار خود باید از دستورالعمل های کمیته اجرایی و مجمع عمومی اکیدا پیروی کند.

۶- کمیته اجرایی و وظایف آن

- الف- کمیته اجرایی شورا ارگانی است متشکل از اعضاء شورا (بند ۴)، رئیس، یا یکی از نایب رئیسان شورا، رئیس کمیته اجرایی (بند ۴) است.
- ب- تصمیم گیری و اجرای کلیه کارهای جاری [شورا] با کمیته اجرایی است، و تنها موضوعاتی که اهمیت ویژه دارند بمنظور تصمیم گیری به مجمع عمومی شورا احواله میشوند؛
- پ- مسائل مورد بررسی در کمیته اجرایی با اکثریت نسبی آراء تصویب یا رد میشود. در مورد مسائل حائز اهمیت فوق العاده گزارش اقلیت میتواند پذیرفته شود، به ثبت رسد، و به مجمع عمومی ارائه گردد؛

- ت - تصمیم‌گیری درباره مسائل با رأی علنی، و تنها در مورد مسائل حائز اهمیت فوق‌العاده، به تقاضای اعضای کمیته اجرائی، با رأی مخفی انجام می‌گیرد؛
- ث - جلسات کمیته اجرائی با حضور حداقل یک دوم اعضای آن رسمیت می‌یابد؛
- ج - هر عضو کمیته اجرائی که به دلیلی قادر به حضور در جلسه کمیته نباشد باید حداکثر نیم ساعت پیش از شروع جلسه عضو مسئول کمیته را از این امر مطلع گرداند؛
- چ - هر عضو کمیته اجرائی که بدون دلیل کافی از سه جلسه عضو مسئول کمیته غیبت کند از حق رأی در دو جلسه محروم می‌شود، و هیئت رئیسه مطلب را به اطلاع انتخاب‌کنندگان وی می‌رساند؛
- ح - کمیته اجرائی (صرف نظر از جلسات ویژه) یکبار در هفته تشکیل جلسه می‌دهد؛
- خ - جلسات ویژه، بمنظور بررسی مسائل حائز اهمیت خاص، با فراخوان رئیس یا نایب رئیس یا سه عضو کمیته اجرائی تشکیل می‌گردد؛
- د - تشکیل جلسات ویژه با مدت حداکثر ۲ ساعت پیش از موعد شروع جلسه به اطلاع اعضا برسد؛
- ذ - جلسه ویژه با هر تعداد عضو حاضر رسمیت می‌یابد؛
- ر - جلسات کمیته اجرائی می‌توانند علنی یا خصوصی باشد؛
- ز - اعضای کمیته اجرائی، از هر بخش یک نفر، به نوبت در اطاق پذیرش شورا انجام وظیفه خواهند کرد.

۷- نشست‌های عمومی

- الف - نشست عمومی شورا در مواقع ضروری، لیکن حداقل ۲ بار در ماه، از طرف هیئت رئیسه فراخوانده می‌شود؛
- ب - نشست عمومی با حضور یک دوم کل اعضای شورا رسمیت می‌یابد؛ نشست‌های ویژه با حضور هر تعداد از اعضا رسمیت می‌یابند؛
- پ - کلیه مسائل که برای بررسی به مجمع عمومی ارجاع می‌گردد باید نخست از طرف کمیته اجرائی یا از طرف هیئت رئیسه تأیید شوند؛
- ت - نشست عمومی به تقاضای یک پنجم اعضای شورا نیز فراخوانده می‌شود؛
- ث - ورود به نشست‌های [عمومی] شورا تنها با برگه ممکن است؛
- ج - نشست‌های شورا می‌تواند، بنا به تصمیم هیئت رئیسه یا خود مجمع، علنی یا خصوصی باشد.

۸- کمیته‌ها

- الف - کمیته‌ها در هر مورد از طرف مجمع عمومی، کمیته اجرائی، یا هیئت رئیسه

انتخاب میشوند؛

- ب - تعداد اعضای کمیته را مجمع [عمومی] تعیین میکند؛
 پ - رئیس هر کمیته گزارش کار کمیته را تسلیم مجمع عمومی شورا، کمیته اجرائی، و هیئت رئیسه میکند؛
 ت - کمیته های بازرسی، کمیته های کنترل، و غیره، که به کار بررسی امور شورا می پردازند تنها از طرف مجمع عمومی شورا انتخاب میشوند؛
 ث - هر کمیته مستقلاً حق پذیرش افراد مطلع و اعطای حق رأی مشورتی به آنان را دارد.

اولیانوف [لنین]

[مدرشورای کمیته های خلق]

دستور العمل درباره سازماندهی شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان (۹ ژانویه ۱۹۱۸)

دستور العمل های مربوط به سازماندهی شوراهای نمایندگان
کارگران، سربازان در جلسه مورخ ۹ ژانویه ۱۹۱۸ شورای
عالی کمیساریای امور داخلی خلق بشرح زیر بتصویب رسید :

- در تمامی شوراهای به جای نهادهای دولتی دوران پسر آمده سابق نخست باید
دواثر و کمیساریای زیر سازماندهی شوند :
- ۱- یک داتره مدیریت، که مسئول روابط داخلی و خارجی جمهوری است و از نظر
فنی همه دواثر دیگر را هماهنگ میکند .
- ۲- یک داتره مالی، که وظیفه تنظیم بودجه محلی، جمع آوری مالیات های محلی و
کشوری، به اجراء گذاردن ملی کردن بانکها، مدیریت بانک ملت (People's
Bank) ، کنترل پرداخت ها از محل صندوقهای پولی کشوری، وغیره را بر عهده
دارد .
- ۳- یک هیئت اقتصاد ملی، که تولید محصولات صنایع کارخانه ای و خانگی را سازماندهی،
مقدار مواد اولیه و سوخت مورد نیاز را تعیین، تهیه و توزیع میکند، [بخش]
کشاورزی را سازماندهی میکند و [مواد لازم مورد نیاز آنرا] تدارک می بیند،
وغیره .
- ۴- یک داتره زمین، که وظیفه مساحی دقیق اراضی و جنگل ها، تحقیق درباره منابع
آبی و غیر آبی، و توزیع این منابع بمنظور بهره برداری را بر عهده دارد .
- ۵- یک دایره کار، که وظیفه سازماندهی و هماهنگ سازی اتحادیه ها، کمیته های
کارخانه، انجمن های دهقانی وغیره، و نیز ایجاد همه گونه سازمانهای بیمه را
بر عهده دارد .
- ۶- یک دایره وسائل ارتباطی، که وظیفه اقدام در مورد ملی کردن راه آهن و
بنگاههای کشتی رانی، اداره این مهمترین شاخه اقتصاد ملی، ساختن راههای
ارتباطی دارای اهمیت محلی، وغیره را بر عهده دارد .
- ۷- یک دایره پست، تلگراف و تلفن، که باید به این بنگاههای دولتی یاری رساند
و آنها را توسعه دهد .
- ۸- یک داتره آموزش و پرورش عمومی، که به وضع آموزش و پرورش و شروع و خاتمه
تحصیلات مردم رسیدگی میکند، مدارس، کودکانها، دانشگاهها، کتابخانهها،

باشگاهها، وغیره، جدیدتأسیس میکنند؛ درزمینه ملی کردن چاپخانهها، چاپ کتابها ونشریات لازم ونشر آنها میان مردم، وغیره، اقدام میکنند.

۹- یک دایره حقوقی، که وظیفه انحلال دادگاههای قدیم، سازماندهی دادگاههای مردمی و دادگاههای حکمیت، برعهده گرفتن مسئولیت بازداشتگاهها و اصلاح آنها، وغیره، را برعهده دارد.

۱۰- یک دایره درمانی-بهداشتی، که وظیفه آن نظارت بر بهداشت، سازماندهی خدمات درمانی برای همگان، تجهیز مناطق اسکان شهری و روستایی با امکانات بهداشتی، وغیره، است.

۱۱- یک دایره املاک عمومی، که وظیفه تنظیم مسئله مسکن، نظارت بر ساختنهای صادره شده و اماکن عمومی، احداث ساختنهای جدید، وغیره، را برعهده دارد.

تذکر: به شوراها توصیه میشود در ایجاد این دوایر از ابزار تشکیلاتی زمستوو (Zemstvo) ونهادهای محلی، با ایجاد تغییرات مقتضی، بهره گیرند.

در همان جلسه پیش نویس فرمانی در مورد تشبیت حدود مرزی استانها، فرمانداریهای کل وغیره بشرح زیر بتصویب رسید:

۱- مسئله تغییرات حدود مرزی استانها، فرمانداریهای کل، شهرستانها وغیره تماماً از طریق شوراها محلی کارگران، سربازان، دهقانان و دهقانان فقیر حل و فصل میشود؛

۲- در صورت ادغام یک استان یا ناحیه در استان یا ناحیه دیگر، هرگونه مسئله فنی یا سوء تفاهمی که پیش آید در کمیسیونهای مختلط شوراها استانهای ذینفع یا کنگره آنها مورد بحث و بررسی قرار میگیرد؛

۳- مسائل ناشی از تصحیح حدود مرزی یک فرمانداری یا شهرستان به ضرر فرمانداری یا شهرستان دیگر نیز به روال فوق فیصله مییابد.

۴- نواحی، استانها، فرمانداریها و شهرستانها را میتوان به بخشهای کوچکتر تقسیم، و بدین طریق واحدهای کوچکتر مدیریت اقتصادی ایجاد کرد.

۵- اطلاعات مربوط به هرگونه تغییری از نوع تغییرات فوق به کمیسرا مورد اخلی خلق گزارش میشود.

صدرشورای کمیسرها ی خلق، و اولیانوف (لنین) / کمیسرها ی خلق: پتروفسکی، شلیاپنیکوف، ترا توفسکی، اوریتسکی،

مدیر امور شورا کمیسرها ی خلق، بونچ - برویویچ / منشی، ن. گوربانوف.

بخش های مربوط به مبانی و ساختار شوراهای از قانون اساسی ۱۹۱۸

بخش دوم : بندهای کلی قانون اساسی جمهوری فدراتیو
شوروی سوسیالیستی روسیه

فصل پنجم

- ۹- هدف اصلی قانون اساسی جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه، که برای دوره گذار کنونی در نظر گرفته شده، ایجاد دیکتاتوری پرولتاریای شهروروستا و فقیرترین دهقانان در شکل یک دولت شوروی سراسری قدرتمند است که سرکوبی کامل بورژوازی، محای انتحار انسان بوسیله انسان، و استقرار سوسیالیسم را، که در آن نه تقسیم جامعه به طبقات وجود دارد و نه قدرت دولتی، مدنظر دارد.
- ۱۰- جمهوری روسیه اجتماع آزاد سوسیالیستی تمامی زحمتکشان روسیه است. تمامی قدرت در جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه از آن تمامی زحمتکشان کشور است که در شوراهای شهری و روستایی متحد شده اند.
- ۱۱- شوراهای مناطقی که دارای شیوه زیست و ترکیب ملی متمایزند میتوانند در اتحادیه های خودمختار منطقه ای که در رأس آنها - همچنانکه در رأس تمامی شوراهای منطقه ای که آنها پتانسیل ممکنست شکل بگیرند - کنگره های منطقه ای شوراهای و نمایندگی های اجرائی آنها قرار دارند، متحد گردند.
- این اتحادیه های خودمختار منطقه ای، بر مبنای فدراتیو، اجزاء متشکله جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه را تشکیل میدهند.
- ۱۲- بالاترین مرجع قدرت در ج.ف.ش.س.ر. کنگره سراسری شوراها، و در فواصل بین کنگره ها کمیته اجرائی مرکزی سراسر روسیه است.
- ۱۳- بمنظور تأمین آزادی راستین عقیده برای زحمتکشان، مذهب از دولت، و آموزش و پرورش از مذهب جدا، و آزادی تبلیغ مذهبی و ضد مذهبی برای کلیه شهروندان بر رسمیت شناخته میشود.
- ۱۴- بمنظور تأمین آزادی راستین بیان برای زحمتکشان ج.ف.ش.س.ر. وابستگی مطبوعات به سرمایه را از میان میبرد، و تمامی ملزومات فنی و مادی چاپ روزنامه، جزوه، کتاب و هرگونه مطبوع دیگر را در اختیار طبقه کارگر و دهقانان

- فقیر قرار میدهد، و نشر بلامانع آنها در سطح کشور را تضمین میکند.
- ۱۵- بمنظورتاً مین آزادی راستین اجتماع برای زحمتکشان ج.ف.ش.س.ر. که حق شهروندان جمهوری روسیه به برگزاری اجتماعات، جلسات، راهپیمایی‌ها و غیره را برسمیت می‌شناسد، هرگونه ساختمان مناسب برای برگزاری تجمعات عمومی را به انضمام تجهیزات داخلی، وسایل حرارتی و روشنایی آن بطور کامل در اختیار طبقه کارگر و دهقانان فقیر قرار میدهد.
- ۱۶- بمنظورتاً مین آزادی راستین انجمن برای زحمتکشان ج.ف.ش.س.ر. که حاکمیت اقتصادی و سیاسی طبقات دارا را درهم شکسته و بدینوسیله کلیه موانعی را که پیش از این، در جامعه بورژوازی، کارگران و دهقانان را از آزادی شکل و عمل محروم میساخت از میان برداشته است، کارگران و فقیرترین دهقانان را در دستیابی به انجمن و شکل از هر طریق مادی و غیرمادی یاری میکند.
- ۱۷- بمنظورتاً مین دسترسی زحمتکشان به دانش، ج.ف.ش.س.ر. فراهم ساختن امکان تحصیلات همه جانبه، کامل و رایگان برای کارگران و فقیرترین دهقانان را هدف خود قرار میدهد.
- ۱۸- جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه کار را وظیفه تمامی شهروندان این جمهوری، و شعار "هر که کار نکند نمی‌خورد!" را شعار خود اعلام میکند.
- ۱۹- بمنظور پاسداری از دستاوردهای انقلاب کبیر کارگران و دهقانان، ج.ف.ش.س.ر. دفاع از میهن سوسیالیستی را وظیفه تمامی شهروندان این جمهوری اعلام میدارد و خدمت نظام همگانی را معمول میدارد. حق شریف حمل سلاح در دفاع از انقلاب تنها به زحمتکشان اعطاء میگردد؛ به عناصراً غیر زحمتکش وظایف نظامی دیگر محول میگردد.
- ۲۰- ج.ف.ش.س.ر. با حرکت از اصل همبستگی زحمتکشان تمامی ملل، حقوق کامل سیاسی شهروند روسی را بجهت اشتغال به کار، و الحاق به طبقه کارگر یا به دهقانان بدون استخدام کار دیگران، به خارجی‌ان ساکن قلمرو جمهوری روسیه اعطاء میکند؛ و به شوراها محلی اختیار میدهد تا به چنین خارجی‌انی بدون هیچگونه تشریفات زائد حقوق شهروند روسی اعطاء کنند.
- ۲۱- ج.ف.ش.س.ر. به کلیه پناهندگانی که بخاطر جراثیم سیاسی یا مذهبی مورد آزار و اذیت قرار دارند حق پناهندگی اعطاء میکند.
- ۲۲- ج.ف.ش.س.ر. که تساوی حقوق کلیه شهروندان صرف نظر از نژاد یا ملیت آنان برسمیت می‌شناسد، اعلام میدارد که ایجاد یا تحمل هرگونه امتیاز یا برتری برابین اساس، و یا هرگونه متم بر اقلیت‌های ملی یا تزییق برابری آنان، ناقض قوانین اساسی این جمهوری خواهد بود.
- ۲۳- ج.ف.ش.س.ر. که منافع کل طبقه کارگر هادی و راهنمای آنست، افراد و

گروهها را از حقوقی که به ضرر انقلاب سوسیالیستی از آن سودجویند محروم
میسازد.

بخش سوم: ساختار دولت شوروی

الف - سازمان مرجع مرکزی قدرت

فصل ششم: کنگره^۱ سراسری شوراهای نمایندگان کارگران، دهقانان، نفعرات
قزاق و ارتش سرخ

۲۴- مرجع عالی قدرت در جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه کنگره^۲ سراسری
شوراهاست.

۲۵- کنگره^۳ سراسری شوراها تشکیل میشود از نمایندگان شوراها^۴ی شهری براساس
یک نماینده برای هر ۲۵۰۰۰ رأی دهنده، و نمایندگان کنگره^۵های گوبرنیائی^۶
[ناحیه‌ای] براساس یک نماینده برای هر ۱۲۵۰۰۰ نفر جمعیت.

تبصره^۷ ۱: در صورتیکه کنگره^۸ گوبرنیائی شوراها پیش از کنگره^۹ سراسری برگزار
نشده باشد، نمایندگان اعزامی به کنگره^{۱۰} اخیر مستقیماً از جانب
کنگره^{۱۱}های اوشزدای [بخشی] به آن اعزام خواهند شد.

تبصره^{۱۲} ۲: در صورت برگزاری کنگره^{۱۳} منطقه‌ای شوراها بلافاصله پیش از کنگره^{۱۴}
سراسری، نمایندگان اعزامی به کنگره^{۱۵} اخیر میتوانند مستقیماً
از جانب کنگره^{۱۶} منطقه‌ای به آن اعزام شوند.

۲۶- کنگره^{۱۷} سراسری شوراها بدعوت کمیته^{۱۸} اجرائی مرکزی سراسر روسیه حداقل
دو بار در سال تشکیل میشود.

۲۷- کنگره^{۱۹} سراسری فوق‌العاده^{۲۰} شوراها یا از جانب کمیته^{۲۱} اجرائی مرکزی سراسر
روسیه منعقد میگردد، و یا به درخواست شوراها^{۲۲}ی مناطقی که حداقل یک سوم
جمعیت جمهوری را دربرمیگیرند.

۲۸- کنگره^{۲۳} سراسری شوراها کمیته^{۲۴} اجرائی مرکزی سراسر روسیه - متشکل از حداکثر ۲۰۰
عضو - را انتخاب میکند.

۲۹- کمیته^{۲۵} اجرائی مرکزی سراسر روسیه مستقیماً در مقابل کنگره^{۲۶} سراسری شوراها
مسئول است.

۱ - gubernia - از تقسیمات کشوری در روسیه است. نگاه کنید بخش ب فصل نهم. م

۲ - uyezd - از تقسیمات کشوری در روسیه است. نگاه کنید بخش ب فصل نهم. م

۳۵- در فواصل بین کنگره ها کمیته اجرائی مرکزی سراسر روسیه مرجع عالی قدرت در جمهوری است .

فصل هفتم: کمیته اجرائی مرکزی سراسری روسیه

- ۳۱- کمیته اجرائی مرکزی سراسر روسیه بالاترین هیئت قانونگذاری، اداره و نظارت در ج.ف.ش.س.ر. است .
- ۳۲- ک.ا.م.س.ر. در مورد فعالیت دولت کارگران و دهقانان و تمامی ارگانهای قدرت شوروی* در کشور رهنمود عمل های کلی میدهد؛ فعالیت های تقیینی و اداری را یکپارچه و هم آهنگ ، و برای قانون اساسی شوروی و تصمیمات کنگره های سراسری شوراها و ارگانهای مرکزی قدرت شوروی نظارت میکند .
- ۳۳- ک.ا.م.س.ر. پیش نویس فرمانها و سایر پیشنهادهای ارائه شده از جانب شورای کمیسرها ی خلق یا از جانب هر وزارتخانه را مورد بررسی و تأیید قرار میدهد، و فرامین و احکام خود را صادر میکند .
- ۳۴- ک.ا.م.س.ر. کنگره سراسری شوراها را منعقد میکند، صورتی از فعالیت های خود به آن ارائه میدهد، و در باب سیاست کلی و نیز موضوعات خاص به آن گزارش میدهد .
- ۳۵- ک.ا.م.س.ر. شورای کمیسرها ی خلق را جهت مدیریت کلی امور ج.ف.ش.س.ر. و وزارتخانه ها (کمیساریا های خلق) را، که در رأس عرصه های مختلف اداره امور قرار میگیرند، منصوب میکند .
- ۳۶- اعضای ک.ا.م.س.ر. با دروزارتخانه ها (کمیساریا های خلق) بکار می پردازند و یا مأموریت های ویژه محوله از جانب ک.ا.م.س.ر. را به انجام می رسانند .

فصل هشتم: شورای کمیسرها ی خلق

- ۳۷- شورای کمیسرها ی خلق برای امور ج.ف.ش.س.ر. مدیریت کلی اعمال میکند .
- ۳۸- ش.ک.خ. برای انجام این کار اقدام به صدور فرمان، حکم و دستورالعمل مینماید، و بطور کلی تدا بپر لازم جهت تأمین سیر مطلوب حیات کشور را اتخاذ میکند .
- ۳۹- ش.ک.خ. تمامی دستورات و تصمیمات خود را بلافاصله به اطلاع ک.ا.م.س.ر. میرساند .
- ۴۰- ک.ا.م.س.ر. حق دارد هر یک از دستورات یا تصمیمات ش.ک.خ. را لغو کند یا بحال تعلیق درآورد .